

آنچه در زیر می‌خوانید ، خلاصه‌یی از سخنان آقای دکتر عابدی است  
که در کلاسهای آموزش خانواده ابراد شده است :

# روانشناسی کودکان نابهنجار

از: دکتر عابدی

نابهنجار به کودکانی اطلاق می‌شود که تا حدودی با افراد طبیعی متفاوت باشند .  
نابهنجاری را نمی‌توان در زمره بیماریهای روانی قرار داد . ولی بنحوی با بیماریهای  
روانی در ارتباط می‌باشد .

بطور کلی کودکان نابهنجار ، دیرآموز بوده مفاهیم انتزاعی را در ذهن خود درک  
نمی‌کنند . همانطور که در مورد هوش معتقدند عامل ارثی فوق‌العاده مؤثر است ، عده‌ای  
معتقدند آموزش کودکان عقب مانده ذهنی بی‌اثر می‌باشد. ولی واقعیت چنین نیست و نمی‌توان  
گفت هر فرد عقب افتاده‌ای تا پایان عمر عقب افتاده خواهد ماند، جز در موارد خیلی استثنائی.  
کودکان عقب افتاده را به دو گروه تقسیم می‌کنیم :

۱ - کودکانی بانقص عضو مادرزادی

۲ - کودکانی که به‌علل عوامل اجتماعی یا محیطی عقب مانده هستند

روش تشخیص نمی‌تواند با سلاک میزان آموزش کودک در کلاس تعیین گردد ، زیرا اگر  
کودک دیرآموز باشد و با مهر عقب افتاده بزنیم ، احساس کهنتری را در او تقویت نموده‌ایم  
و تا پایان عمر نسبت به دیگران احساس کمبود خواهد نمود .

دیرآموزی دلیل قاطع عقب افتادگی نیست ، بلکه سلاکهای دیگری را نیز بایستی  
در نظر داشت . تنها روش مناسب برای تشخیص تستها است .

بایستی با توجه به نوع مشکلات کودک تست مناسب بکار برد تا با توجه به نتایج  
تست در راه بهبود وضع کودک گام برداشت .

تاریخچه تستها : مفهوم تست برای اولین بار توسط «بینه» در فرانسه بوجود آمد و بر اثر  
نیاز آموزش و پرورش در مورد تشخیص کودکان دیرآموز و کودکان نرمال بکار رفت .  
«بینه» یکمک همکارش «سیمون» تست بینه - سیمون را تهیه نمود .

بعدها این تست در آمریکا استاندارد شد و بنام «تست استانفردینه» مورد استفاده  
قرار گرفت . بر اساس گروههای سنی مختلف، تستهایی تهیه شد که سن عقلی را مشخص می‌نماید  
می‌دانید که هوش تا سن ۱۶ - ۱۵ سالگی افزایش می‌یابد و پس از آن تا سن کهولت تقریباً  
ثابت می‌ماند . برای سنجش میزان افزایش هوش در گروههای سنی مختلف، تستهایی تهیه  
شده است . ممکن است کودک ۴ ساله‌ای به مواد تست کودک ۵ ساله پاسخ دهد و از

لحاظ سن عقلی بالاتر از سن تقویمی باشد ، ولی اگر کودک ۸ ساله فقط قادر باشد که به سئوالات تست کودک ۶ ساله جواب دهد ، کودک نابهنجاری است که نسبت به سن خود « از نظر هوشی » عقب افتاده می باشد . تستهایی ساخته اند که دوماه به دوماه برای سنجش سن عقلی کودک بکار می رود . برای اجرای تست در مورد کودک ۶ ساله لزومی ندارد تست را از یکسالگی شروع کنیم ، بلکه می توان با توجه به سن کودک ، محدودی برای سن پایه انتخاب نمود .

فرمول بهره هوشی (12) بشرح زیر می باشد :

سن عقلی

$$21 - \text{بهره هوشی} = \frac{\text{سن تقویمی}}{100} \times 100$$

سن تقویمی

در مورد تقسیم بندی هوش ملاکهای زیر مورد توجه قرار گرفته است :

۱ -	بیابالا - ۱۳۰	خیلی با هوش - سرآمد (۲٪ جمعیت)
۲ -	۱۲۵ - ۱۳۴	پر هوش
۳ -	۱۱۵ - ۱۲۴	باهوش
۴ -	۱۰۵ - ۱۱۴	بهنجار قوی
۵ -	۹۵ - ۱۰۴	نرمال یا بهنجار که در میانگین جامعه قرار دارد .

طبقات زیر نابهنجار می باشند :

۶ -	۸۵ - ۹۴	بهنجار ضعیف
۷ -	۷۵ - ۸۴	کودن
۸ -	۶۵ - ۷۴	کالیو
۹ -	۶۵	کانا

کودکان کانا با بهره هوشی کمتر از ۶۵ آموزش پذیر نیستند .

اگر شما که معلم هستید روش تست را بکار برید ، در صورتی که با چنین کودکی روبرو شوید ، با شناخت کودک با و لقب کند ذهنی نخواهید داد ، زیرا می دانید چنین کودکی نمی تواند بیاموزد .

نتیجه دوم که از این شناخت حاصل می شود اینست که معلم کودک را در مسیر استعداد و یادگیری خاص خود رهبری کند و اگر آموزش کلاسیکه مناسب نباشد ، در زمینه کارهای عملی او را تشویق نماید .

والدینی که بدانند فرزندشان آموزش پذیر نیست ، از او توقع نخواهند داشت که حتما دیپلم بگیرد و او را بکارهای عملی خواهند گذاشت تا با فشاری وارد نشود .

عقب افتادگی ممکن است دو علت داشته باشد : عامل مادر زادی و عامل اجتماعی .

در ایران تست هنوز متد اول نشده است و در حد ابتدائی عمل می شود .

بیماریهای شدید مانند مننژیت باعث می شود سلولهای مغزی لطمه ببینند یا بیماریهای مربوط به مغز و اعصاب بطور کلی اسکان دارد کودک را از لحاظ آموزشی عقب افتاده کند .

بیماریهای جزئی که باعث غیبت کودک از کلاس می شود ، کودک را نسبت به کلاس عقب افتاده می کند ، ولی در صورتی که کودک نرمال باشد ، پس از مدتی آموزش جدائی ، اشکالات درسی ناشی از غیبت برطرف خواهد شد .

مسئله دیگر ضعف بدنی کودک در اثر بیماری است که باز در دیرآموزی او اثر می گذارد و کودک را از لحاظ یادگیری از فعالیت باز می دارد . در چنین حالتی کودک تمرکز حواس را از دست داده ، دچار اشکال می گردد ، در نتیجه مورد انتقاد معلم قرار می گیرد ، این انتقاد بر شخصیت کودک اثر سوء دارد ، زیرا کودک معلم را بعنوان یک مدل می شناسد و اگر مدل نسبت به کودک نظر منفی داشته باشد ، در یادگیری و فرم گیری شخصیت کودک جنبه منفی خواهد داشت . اشکالات بدنی ، مانند اختلالات دید ، باعث عقب افتادگی یا دیرآموزی می گردد . اگر بنحوی تشخیص داده شود که اشکال در مورد دید کودک است (اگر در مدرسه سالی یکبار از کودکان معاینه چشم بعمل آید و در مورد اشکال دید آنها اقدام شود ، این ضعف از بین خواهد رفت ) می توان مشکل را از میان برداشت . در این مورد ، هم والدین و هم آموزش و پرورش بایستی توجه بیشتری بنمایند .

### \* مشکل شنوائی

می دانید روش تدریس ما بیشتر بر اساس سخنرانی است . اگر کودک از لحاظ شنوائی دچار اشکال باشد ، گفتار معلم را درک نکرده بتدریج خود را نسبت به کلاس عقب افتاده تصور خواهد نمود .

اشکالات اساسی مانند اختلالات گویائی نیز فوق العاده در عقب افتادگی مؤثر است ، زیرا ارتباط از طرف کودک با معلم با اشکال همراه بوده ، معلم نخواهد دانست که آیا کودک مطلب را درک کرده است یا خیر . از طرفی بعلت لکنت زبان ممکن است کودک مورد تمسخر همکلاسان قرار گیرد و عکس العمل نا مساعدگروه همسال باعث نابسامانی شخصیت او شود . همین نابسامانی شخصیتی عامل اصلی عقب افتادگی کودک خواهد بود .

### \* شرایط خانوادگی

عامل دیگر شرایط خانوادگی است : اولین عامل در شرایط خانوادگی فقر است ، بهیچ عنوان نمی توان فقر را عامل اصلی عقب افتادگی دانست ، ولی بهرحال به عقب افتادگی کودک کمک می کند ، زیرا کودکان خانواده های فقیر خوب تغذیه نمی شوند و سوء تغذیه در هوش آنها اثر می گذارد . حالت رخوت و بی حالی باعث عدم تمرکز حواس می گردد و می دانید که تمرکز حواس عامل مهمی در آموزش است .

### \* انگیزه آموزش

نبودن انگیزه های مناسب عقلانی : در خانواده هایی که بیشتر با کارهای عملی سروکار دارند ، مفاهیم ذهنی مطرح نمی شود .

خانوادگانی که تحصیلات بالائی ندارند ، اصراری در آموزش کودکان خود نخواهند داشت و به آموزش فرزندان رسیدگی نمی کنند ، در نتیجه انگیزه آموزش در کودک بوجود نمی آید .

## \* اختلافات خانوادگی

\* اختلافات خانوادگی و تضادهای فکری بین پدر و مادر ، در شخصیت کودک اثر سوء دارد و حالت یاس و بی تفاوتی در او بوجود می آورد . طلاق و اعتیاد به الکل نیز عوامل منفی دیگری است که بر شخصیت کودک اثر میگذارد .

\* شرایط تحصیلی : اولین عامل وقفه یا ارتقاء نامناسب کودک باعث عقب افتادگی او خواهد شد .

اگر کودک استعداد رفتن بکلاس بالاتر را داشته باشد ، ولی اثر اشتباه معلم در همان کلاس باقی بماند ، این اشتباه باعث بی تفاوتی و دلسردی کودک نسبت به درس خواهد شد .

\* اگر بدون استعداد لازم ، کودک را ارتقاء دهیم ، باعث می شویم کودک در مقایسه با همکلاسان ، احساس کمبود نموده از درس دلسرد شود .

\* تدریس نامناسب در کلاس : اگر معلم دروس پایه را به کودک تفهیم نکند کودک در کلاسهای بعدی دچار اشکال خواهد شد (این عامل اگر در مورد یک کودک باشد صدق نمی کند ، مگر اینکه اکثریت کودکان کلاس دچار این اشکال شوند)

\* نفرت از معلم : نفرت به عوامل متعددی بستگی دارد :

سختگیری بیش از حد ، تنبیه و غیره ، در ایجاد نفرت نسبت به معلم مؤثر است . بنابراین برای تدریس بایستی در مرحله اول ایجاد رابطه صحیح مورد توجه قرار گیرد .

\* شرایط مزاجی یا خلق و خوی کودک ( شخصیت کودک ) نیز در عامل پیشرفت او مؤثر است . بعضی کودکان حساسیت بیشتری دارند که به کوچکترین برخورد از فعالیت درسی کنار می گیرند . در این بحث اغلب عوامل ذکر نشده ، ولی عوامل اصلی مورد بحث قرار گرفته است که در تشخیص عقب افتادگی مؤثر می باشد ، اگر کوشش کنیم علت بخصوصی برای عقب افتادگی پیدا کنیم ، اشتباه کرده ایم ، باید قبول کنیم که عقب افتادگی به عوامل متعددی بستگی دارد و اگر در کودکی یک عامل بخصوص از عقب افتادگی را پیدا کنیم ، نباید روی آن انگشت گذاریم ، بلکه بایستی مشکلات خانوادگی را مورد توجه قرار داد ، عوامل مختلف را جستجو نمود و با آگاهی کامل از وضع کودک ، علت عقب افتادگی را مشخص نمود .

اگر در خانواده مشکلاتی وجود نداشت ، بایستی عوامل را در مدرسه جستجو نمود . اگر عوامل متعددی در عقب افتادگی کودک مؤثر باشد ، نمی توان یک روش کلی در مورد درسیان کلیه عقب افتادگیهای ذهنی پیشنهاد نمود ، ولی مشکلات مشترکی در کلیه این افراد وجود دارد که توجه به آنها در بهبود وضع کودک مؤثر خواهد بود .

بقیه در صفحه ۸۴

## بقیه روانشناسی کودکان

### \* لزوم توجه فردی

لزوم توجه فردی نسبت به هر نوع عقب افتادگی، زیرا اینگونه افراد دچار احساس کمتری هستند و به توجه و جلب اطمینان بیشتری احتیاج دارند. معلمی که دارای چند دانش آموز عقب افتاده باشد، بایستی به آنها توجه بیشتری بنماید. کارهایی که بآنها ارجاع می‌کند، بایستی کارهای با هدف باشد زیرا کودک عقب افتاده بتدریج احساس کرده که کاری از او ساخته نیست و اگر کارهای خارج از حد توانائی او داده شود، وقتی نتواند آنها را انجام رساند، احساس عدم توانائی در هر موردی در او تشدید خواهد شد. بایستی باین گونه کودکان آموزش و کارهایی داده شود که باین نتیجه بوده و آنها را نسبت به خود مطمئن سازد، پس از انجام کار (در حد توانائی) باید آنها را تشویق نمود. آگاهی از نتیجه کار استعداد های بیشتری را در کودک بیدار خواهد نمود. چون نسبت به اینگونه کودکان محبت کمتری ابراز می‌شود، معلم بایستی نسبت به آنها توجه بیشتری نشان دهد.

در این مورد معلم بایستی از تستهای کمکی استفاده کند و اگر به تست دسترسی نداشته باشد، سعی کند با توجه به مفاهیم ابتدائی مربوط به درس، کودک را آزمایش کند. البته در مورد تمام دروس این روش مشکل است، ولی بهر حال کار معلم است که در این تشخیص و در جهت پیشرفت کودک گام بردارد.

### بقیه مشکلات

● خانم شهناز لوائی از خرم آباد لرستان نوشته اند: ای انسان دوستها سلام گرم مرا از اعماق قلبم بپذیرید، برایتان در این راه که در پیش دارید آرزوی موفقیت میکنم. در اردوی پیشاهنگی بانجمن اولیا و مربیان و انتشارات آن آشنا شدم چون علاقمند بدریافت انتشارات آن و قبول اشتراك مجله مکتب مام هستم، اولاً بفرمائید شماره صحیح حساب بانکی مجله کدام است؟ در ثانی اگر کسی به خارج از مملکت مسافرت کند آیا برای او مکتب مام میفرستید و شرایط آن چیست؟

● خانم شهناز لوائی سلام گرم شما را گرمتر علیکم سی گوئیم، توفیق شما را آرزو میکنیم و از حسن توجهتان به انتشارات انجمن و مجله

مکتب ما متشکریم. شماره حساب بانکی انجمن تغییر کرده و شما و تمام کسانی که با انجمن با مجله مکتب مام از این طریق ارتباط دارند میتوانند پول را بحساب شماره ۱۵۶۲ بانک ملی ایران شعبه مهر و ریز و فیش آنها به آدرس انجمن بفرستند یا پول را وسیله پست بفرستند. آن کسانی که تا کنون پول را بحساب ۵۶۲ بانک ملی مرکز شعبه مهر هم ریخته اند پول آنها بانجمن رسیده است، منتها از این پس شماره ۱۵۶۲ بجای شماره ۵۶۲ مخصوص است.

در مورد سؤال دوم البته مجله را برای او میفرستیم ولی علاوه بر حق اشتراك یکساله که یکصد ریال است باید هزینه پست آنها هم بپردازد.